

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۵ فیروزی ۲۰۲۰

تعمیق دشمنی "غنی احمدزی" با "دوستم"

۲

جمعه - ۲۵ دلو ۱۳۹۸ - کابل:

۳- نتایج این عملکرد دولت دست نشانده و در رأس آن شخص "غنی احمدزی" منتج به دو واکنش تا کنون مجزا از هم شده است.

* - "دوستم" در حالی بر طبل جنگ می نوازد، که امپریالیسم امریکا در آستانه آن است تا از مغالزه علنی بیش از یک سالش با طالب، حاصل آن را با عقد قرار داد حداقلی "کاهش خشونت" بردارد. در چنین شرایطی اعلان جنگ جدید از جانب "دوستم" نمی تواند به تنهایی تصمیم خودش باشد.

با شناختی که از "دوستم" و تعلقات پیدا و پنهانش با نهاد های استخباراتی شرق و غرب وجود دارد، مطمئناً "دوستم" این تصمیم را به دستور بادران پیدا و پنهانش اعلام داشته است. بادران با پیش انداختن نوکرشان "دوستم"، در صدد اند تا از موقعیت استفاده نموده، یا جایگاه نوکرشان "دوستم" و متحدانش را در حاکمیت بعدی تقویت و تضمین نموده حد اقل برای شان امنیت جانی را تضمین نمایند و یا در غیر آن جبهه جدید جنگی علیه امپریالیسم امریکا در شمال افغانستان باز نمایند.

این که سایر بادران "دوستم" از ایجاد درگیری جدید چه اهدافی را دنبال می نمایند به هیچ وجه از هدف روسها در ایجاد چنین درگیری چیزی نمی کاهد. چه روسها در عین حالی که می خواهند با زمین گیر ساختن امپریالیسم امریکا در شمال افغانستان انتقام گذشته ها را از آن بگیرند، تلاش دارند تا دشمنی بین اقوام ترکمن، تاجیک و ازبیک ساکن افغانستان را با امپریالیسم امریکا در چنان حدی تشدید نمایند، که مردم جمهوریت های آسیای میانه به اساس نزدیکی های قومی و نژادی با همبشاران شان در افغانستان در تخاصم خونین با امپریالیسم امریکا و شرکاء قرار بگیرند و بدان وسیله تمام تلاش های امپریالیسم امریکا و شرکاء جهت نفوذ در آن مناطق در ازای شدن دریای خون در افغانستان خنثی شود.

اعلام "حکومت موازی" از جانب "دوستم" همان طور که نوشتیم از آن جایی که نظر مستقلانه خودش نمی باشد، در نتیجه میزان جدیت آن نیز بیشتر به بادرانش تعلق می گیرد تا به خودش. یعنی در صورتی که بادرانش خواسته باشند

امتیازات معینی از امریکا در افغانستان بگیرند "دوستم" را به نیزه بازی وادار خواهند نمود، به محض رسیدن به اهداف شان، وی را در میدان رها خواهند نمود.

*- و اما دومین عکس العمل، عکس العملی است که بخشی از طبقه کارگر افغانستان در شیرگان علیه برنامه های نئولیبرالی دولت دست نشانده از خود نشان داده اند.

به ارتباط این حرکت که در کلیت خود، یک حرکت کارگری جهت رسیدن به اهداف صنفی از قبل تعیین شده آنهاست، به جرأت می توان نوشت که در ۴ دهه اخیر نخستین حرکت دست جمعی این طبقه جهت برآورده ساختن اهداف صنفی شان می باشد.

این را می دانیم که از کودتای ۲۶ سرطان به بعد تا امروز روی ده ها دلیل طبقه کارگر، به مثابه یک طبقه خواست طبقاتی خود را بدین شکل و مضمون طرح نموده است. هرچند جنبش های گسترده فرا طبقاتی زیر نام های مختلف در دو دهه اخیر به وجود آمده، قسماً سرکوب گردیده و قسماً خود به علت فقدان نهاد رهبری کننده طبقاتی، از درون پاشیده است، مگر طبقه کارگر با شعارها و خواست های صنفی خود به مثابه یک طبقه وارد میدان نبوده است.

از این رو می توان نوشت، عکس العمل کارگران ریاست "سروی نفت و گاز" هرچند در مقطع کنونی محدود به خواست های صنفی خود آنها می باشد و از طرح خواستهای سیاسی فاصله دارد، با آنهم به مثابه طلوع یک حرکت مترقی علیه سیاست های نئولیبرالی - استعماری دولت دست نشانده امریست که می باید جداً از آن پشتیبانی نمود.

به نظر من نخستین و اساسی ترین حمایت از این حرکت، تلاش در جهت حفظ استقلال آن از روند ها و نیروهای معامله گر سیاسی حاکم در افغانستان می باشد. یعنی در عین حالی که می باید کوشید تا این حرکت اعتراضی را با سایر حرکات اعتراضی ضد حاکمیت استعماری پیوند داد، می باید تلاش نمود تا هویت مستقلانه خودش را نیز حفظ نماید.

هرگاه نیروهای انقلابی قادر نگردند با کار روشنگرانه و سازمانیافته آن هویت مستقل را حفظ نمایند، ارتجاع هار مذهبی و عوامل استخبارات استعمار فرصت خواهند یافت تا از طریق صدور تضاد های قومی، مذهبی، نژادی و زبانی مانع رشد و استحکام وحدت طبقاتی کارگران گردیده آنها را نیز زیر نام تاحیک، ازبیک، هزاره و پشتون به جان هم بیندازند.

هموطنان گرامی!

خیزش کارگران شیرگان را به مثابه طلوع یک خیزش طبقاتی گرامی بداریم و جهت رشد و حفظ استقلال طبقاتی آنها کوشا باشیم.

سرکها ما را می طلبد!